

ابتدا به کشورهای واقع در این حوزه جغرافیایی براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور اشاره شود. در این منطقه علاوه بر ایران، ۲۴ کشور دیگر شامل عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، مصر، امارات متحده عربی، کویت، عراق، قطر، اردن، بحرین، سوریه، فلسطین، لبنان، یمن، عمان، آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، ارمنستان و افغانستان حضور دارند. موضوع دیگری که برای مقایسه جایگاه اقتصادی ایران با کشورهای منطقه باید مورد توجه قرار گیرد، انتخاب شاخص‌های مناسب است. شاخص‌های مورد نظر باید اولاً مرتبط و هم‌سو با سند چشم‌انداز در زمینه رشد اقتصادی، سطح درآمد سرانه و اشتغال و نظایر آن باشند، ثانیاً از لحاظ کمی و کیفی دارای قابلیت مقایسه‌ای بین‌المللی بوده و از استاندارد لازم برخوردار باشند، به طوری که امکان مقایسه و سنجش را به طور منظم و مستمر و در طول دوره بیست‌ساله فراهم نمایند. ثالثاً به اندازه کافی فراگیر، جامع و سازگار باشند تا بتوان براساس آنها جایگاه واقعی کشور را در منطقه ارزیابی نمود.

در فصل حاضر، ابتدا با استفاده از تعداد معدودی شاخص‌های کلان اقتصادی، یک تصویر مقایسه‌ای از وضعیت کلی کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۹ ارائه می‌شود. سپس جایگاه ایران در مقایسه با کشورهای رقیب شامل: عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان و مصر از منظر برخی از شاخص‌های عمده اقتصادی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. کشورهای مزبور در حال حاضر به عنوان رقبای اقتصادی عمده و بالقوه کشور در سطح منطقه آسیای جنوب غربی مطرح بوده و سهم بالاتری نسبت به سایر کشورها در اقتصاد منطقه دارند.

در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی، از ایران به عنوان کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) نام برده شده است. برای دست یافتن به چنین جایگاهی مواردی چون جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل مورد توجه و تاکید قرار گرفته است.

دستیابی به این اهداف استراتژیک مستلزم بررسی دقیق وضعیت ایران، شناسایی نقاط ضعف و قوت آن در مقایسه با کشورهای منطقه، تعیین راه‌کارها و انتخاب برنامه‌های توسعه‌ای مناسب در طول دوره بیست‌ساله سند مزبور است. بدین منظور، گزینش معیارهای مناسب برای ارزیابی اقدامات انجام شده در مسیر رسیدن به جایگاه نخست اقتصادی در منطقه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

ارزیابی جایگاه اقتصادی ایران براساس شاخص‌های کمی کلان معرفی شده از جمله نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ بیکاری و تورم و کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، می‌تواند چارچوب مناسبی را برای سنجش موقعیت اقتصادی کشور در مقایسه با سایر کشورهای منطقه طی دوره زمانی مورد نظر فراهم آورده و راه‌کارهایی را در جهت کاهش شکاف‌های موجود بین عملکرد و اهداف مورد نظر ارائه دهد.

به منظور بررسی وضعیت ایران در مسیر دستیابی به جایگاه اول اقتصادی منطقه آسیای جنوب غربی، لازم است در

جدول ۲۱-۱- مقایسه وضعیت کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۹

رتبه	تولید سرانه (۱) مبلغ(دلار)	رشد سرمایه‌گذاری		رشد اقتصادی		جمعیت		کشور
		رتبه	نرخ(درصد)	رتبه	نرخ(درصد)	رتبه	تعداد(هزار نفر)	
۹	۹۴۱۵	۵	-۸/۴	۱	۹/۳	۱۲	۸۹۴۷	آذربایجان
۱۲	۵۶۰۵	۹	-۳۴/۸	۱۳	۲/۳	۱۵	۵۹۱۵	اردن
۱۳	۵۲۶۶	۱۰	-۳۶/۲	۲۱	-۱۴/۳	۲۱	۳۰۸۵	ارمنستان
۱۷	۲۸۶۱	۰۰	۰۰	۴	۸/۱	۷	۲۷۷۶۷	ازبکستان
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۵	۳۳۴۳۸	افغانستان
۲	۳۸۰۸۹	۰۰	۰۰	۱۸	-۰/۷	۱۳	۶۹۳۹	امارات متحده عربی
۷	۱۱۴۶۷	۰۰	۰۰	۱۴	۱/۸	۳	۷۳۱۳۷	ایران(۲)
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۲۵	۱۱۷۰	بحرین
۱۸	۲۵۸۴	۷	-۱۱/۳	۱۱	۳/۶	۱	۱۷۰۴۹۴	پاکستان
۲۱	۲۰۷۷	۴	-۸/۱	۵	۷/۹	۱۴	۶۷۸۳	تاجیکستان
۱۰	۷۲۶۶	۰۰	۰۰	۷	۶/۱	۱۷	۴۹۸۰	ترکمنستان
۵	۱۴۲۲۸	۸	-۱۹/۱	۲۰	-۴/۸	۴	۷۱۸۴۶	ترکیه
۱۴	۵۱۳۸	۲	۸/۱	۸	۶/۰	۱۰	۲۰۰۳۸	سوریه
۱۶	۳۵۷۸	۰۰	۰۰	۹	۴/۲	۶	۳۱۰۹۱	عراق
۴	۲۲۰۳۵	۰۰	۰۰	۱۷	-۰/۲	۸	۲۶۸۰۹	عربستان سعودی
۳	۲۶۵۵۴	۰۰	۰۰	۱۶	۱/۱	۲۲	۲۷۱۲	عمان
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۲۰	۴۰۴۳	فلسطین
۲۰	۲۲۸۵	۳	۶/۰	۱۲	۲/۹	۱۶	۵۳۲۱	قرقیزستان
۸	۱۱۴۲۹	۰۰	۰۰	۱۵	۱/۲	۱۱	۱۵۹۲۵	قزاقستان
۱	۸۰۲۲۹	۰۰	۰۰	۲	۸/۶	۲۴	۱۵۹۸	قطر
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۲۳	۲۶۴۶	کویت
۱۵	۴۷۳۳	۰۰	۰۰	۱۹	-۳/۸	۱۸	۴۴۱۱	گرجستان
۶	۱۳۰۰۸	۱	۱۱/۹	۳	۸/۵	۱۹	۴۱۹۷	لبنان
۱۱	۶۰۱۹	۶	-۱۰/۲	۶	۷/۲	۲	۷۹۷۱۶	مصر
۱۹	۲۴۸۵	۰۰	۰۰	۱۰	۳/۸	۹	۲۳۳۲۸	یمن

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۱۱

۱- این ارقام براساس برابری قدرت خرید (PPP) ارائه شده است.

۲- به منظور مقایسه ارقام ایران با سایر کشورها، ارقام ایران نیز از منبع آماری بین‌المللی یکسان (WDI) استخراج شده است. بنابراین، با توجه به منابع آماری اصلی و روش مورد استفاده در ماخذ مزبور، ارقام ارائه شده برای ایران در این ماخذ، ممکن است با ارقام ارائه شده در منابع آماری داخلی متفاوت باشد.

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۸

ادامه جدول ۲۱-۱- مقایسه وضعیت کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۹

رتبه در جهان	نسبت تولید ناخالص داخلی به کل تولید منطقه (۴)		بیکاری (۳)		تورم	
	رتبه	سهم (درصد)	رتبه	نرخ (درصد)	رتبه	نرخ (درصد)
۵۴	۱۱	۱/۸	۰۰	۰۰	۵	۱/۴
۱۱۱	۱۷	۰/۷	۶	۱۲/۹	۳	-۰/۷
۴۸	۱۹	۰/۳	۰۰	۰۰	۹	۳/۴
۱۵۰	۱۲	۱/۷	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰
۱۶۷	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۱	-۱۳/۲
۴۰	۶	۵/۷	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰
۱۲۹	۲	۱۸/۱	۵	۱۱/۵	۲۰	۱۳/۵
۲۸	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۷	۲/۸
۸۳	۵	۹/۵	۰۰	۰۰	۲۱	۱۳/۶
۱۳۹	۲۰	۰/۳	۰۰	۰۰	۱۵	۶/۴
۰۰	۱۶	۰/۸	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰
۶۵	۱	۲۲/۰	۷	۱۴/۰	۱۴	۶/۳
۱۴۴	۱۰	۲/۲	۳	۸/۱	۸	۲/۹
۱۶۶	۹	۲/۴	۰۰	۰۰	۱۷	۶/۹
۱۱	۳	۱۲/۷	۱	۵/۴	۱۲	۵/۱
۵۷	۱۳	۱/۶	۰۰	۰۰	۱۰	۳/۹
۱۳۵	۰۰	۰۰	۸	۲۴/۵	۰۰	۰۰
۴۴	۲۱	۰/۳	۰۰	۰۰	۱۶	۶/۹
۵۹	۷	۳/۹	۲	۶/۶	۱۸	۷/۳
۵۰	۸	۲/۸	۰۰	۰۰	۲	-۴/۹
۷۴	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۱۱	۴/۰
۱۲	۱۸	۰/۴	۰۰	۰۰	۶	۱/۷
۱۱۳	۱۵	۱/۲	۰۰	۰۰	۴	۱/۲
۹۴	۴	۱۰/۳	۴	۹/۴	۱۹	۱۱/۸
۱۰۵	۱۴	۱/۲	۰۰	۰۰	۱۳	۵/۴

۳- ماخذ: <http://laborsta.ilo.org> - آمار اردن و عربستان سعودی به علت عدم ارائه در این منبع آماری، از منبع آماری ۲۰۱۱ WDI online, the World Bank Group استخراج شده است.

۴- این نسبت با استفاده از ارقام موجود تولید ناخالص داخلی کشورها براساس برابری قدرت خرید (PPP) محاسبه شده است.

۵- ماخذ: www.doingbusiness.org

۲۱-۱- مقایسه وضعیت کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۹

برای تعیین جایگاه اقتصادی ایران در منطقه، وضعیت کلیه کشورها از نظر هشت شاخص کلان و براساس آمارهای موجود در منابع معتبر بین‌المللی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. شاخص‌های انتخابی عبارت از جمعیت، رشد اقتصادی، رشد سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ تورم، نرخ بیکاری، سهم تولید ناخالص داخلی هر کشور از کل تولید کشورهای منطقه و شاخص سهولت کسب و کار می‌باشند. البته بهبود یک شاخص اقتصادی تنها برای یک سال نمی‌تواند معیار مناسبی برای قضاوت در مورد بهبود وضعیت کلی اقتصادی یک کشور باشد، بلکه لازم است روند باثبات مجموعه شاخص‌های اقتصادی هر کشور طی سال‌های متمادی نیز مورد توجه قرار گیرد.

شاخص جمعیت معمولاً به عنوان معیار مناسبی از اندازه کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. بررسی شاخص‌های مختلف اقتصادی با توجه به شاخص جمعیت دیدگاه بهتری را در مقایسه وضعیت اقتصادی کشورها با یکدیگر فراهم می‌آورد. پاکستان با جمعیتی بالغ بر ۱۷۰ میلیون نفر بالاترین جمعیت را در میان کشورهای منطقه دارا است. پس از آن مصر، ایران و ترکیه با اختلاف زیادی در رده‌های بعدی قرار دارند. عربستان سعودی نیز با جمعیتی حدود ۲۷ میلیون نفر در رتبه هشتم قرار دارد.

رشد تولید ناخالص داخلی، توان تولید و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی موجود در هر کشور را بیان می‌کند. آذربایجان با رشدی معادل ۹/۳ درصد بالاترین رشد اقتصادی را در سال ۲۰۰۹ در میان کشورهای منطقه کسب نمود. قطر و لبنان نیز به ترتیب با ۸/۶ و ۸/۵ درصد رشد اقتصادی در رده‌های بعدی قرار گرفتند. پایین‌ترین رشد نیز متعلق به ارمنستان و پس از آن ترکیه، گرجستان و امارات متحده عربی

بود که همگی رشد اقتصادی منفی را در سال ۲۰۰۹ تجربه نمودند. ایران با رشد اقتصادی ۱/۸ درصد، رتبه چهاردهم را در منطقه به خود اختصاص داد. دلیل این امر می‌تواند رشد سریع و مقطعی اقتصاد کشورهای نوظهور در منطقه باشد که در مراحل اولیه رشد اقتصادی قرار دارند و از ظرفیت‌های خالی بیشتری برای تولید و سرمایه‌گذاری برخوردار می‌باشند.

سرمایه‌گذاری به عنوان پشتوانه‌ای از تولید، از شاخص‌های مهم دیگری است که در بیشتر تحلیل‌ها برای مقایسه وضعیت اقتصادی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. کشورهای لبنان و سوریه به ترتیب با رشدی معادل ۱۱/۹ و ۸/۱ درصد بیشترین رشد سرمایه‌گذاری را در سال ۲۰۰۹ داشتند. در مقابل، کشورهای ارمنستان و اردن به ترتیب با رشد ۳۶/۲- و ۳۴/۸- درصد پایین‌ترین رتبه‌ها را در منطقه دارا بودند.

تولید ناخالص داخلی سرانه معیاری برای تعیین سطح زندگی در کشورها است. براساس منبع آماری «نماگرهای توسعه جهان»^(۱) در سال ۲۰۰۹، قطر با تولید ناخالص داخلی سرانه (براساس معیار برابری قدرت خرید) ۸۰۲۲۹ دلار، بالاترین رتبه را در میان کشورهای منطقه دارا بود. پس از آن با اختلاف زیادی کشورهای امارات متحده عربی، عمان و عربستان سعودی به ترتیب با ۳۸۰۸۹، ۲۶۵۵۴ و ۲۲۰۳۵ دلار در جایگاه‌های بعدی قرار داشتند. ایران نیز با تولید سرانه ۱۱۴۶۷ دلار در رتبه هفتم منطقه قرار گرفت. تاجیکستان و قرقیزستان نیز در پایین‌ترین سطح قرار گرفتند.

نرخ تورم نیز از شاخص‌های مهمی است که برای بررسی ثبات و کارایی اقتصادی در کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در سال مورد بررسی، افغانستان با نرخ تورم ۱۳/۲- درصد پایین‌ترین نرخ تورم را در میان کشورهای منطقه دارا بود. پس از

۱- World Development Indicators(WDI)

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۸

رتبه‌های منطقه قرار گرفتند. در مقابل، عراق و افغانستان به ترتیب با کسب رتبه‌های ۱۶۶ و ۱۶۷، پایین‌ترین رتبه‌های منطقه را به خود اختصاص دادند. ایران از منظر فضای کسب و کار رتبه ۱۲۹ جهان را کسب کرد.

۲۱-۲- مقایسه شاخص‌های اقتصادی ایران با کشورهای

منتخب منطقه^(۱)

در این بخش جایگاه اقتصادی ایران در میان رقبای عمده و بالقوه منطقه شامل عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان و مصر طی دوره ۲۰۰۵-۰۹ مورد بررسی قرار می‌گیرد. کشورهای مورد نظر بیشترین سهم از مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه را کسب کرده و در اکثر شاخص‌ها از شرایط مناسب‌تری نسبت به سایر کشورها برخوردار هستند. شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی در این بخش، تصویر مقایسه‌ای مناسبی از وضعیت موجود و روند تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در سطح منطقه ارائه می‌کند. در مجموع، دوازده شاخص منتخب به همراه شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد در این مطالعه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. شایان ذکر است در کلیه نمودارها وضعیت ایران با کشور اول رقیب که از نظر شاخص مورد بررسی بهترین وضعیت را در میان سایر کشورهای منطقه در هر سال دارد، مقایسه شده است. در مورد شاخص‌های نرخ تورم، نرخ بیکاری، رشد نقدینگی و نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی، پایین‌ترین رقم و در مورد سایر شاخص‌ها بالاترین رقم، به عنوان بهترین وضعیت در نظر گرفته شده است.

۲۱-۲-۱- رشد اقتصادی

رشد تولید ناخالص داخلی نشان‌دهنده درصد تغییر در تولید کالاها و خدمات در بخش‌های مختلف اقتصادی با استفاده

۱- تفاوت در برخی ارقام در گزارش موجود با گزارش سال‌های گذشته ناشی از بازبینی آخرین اطلاعات از سوی منابع آماری مربوطه می‌باشد.

آن قطر و اردن به ترتیب با نرخ تورم ۴/۹- و ۰/۷- درصد، رتبه‌های بعدی را کسب کردند. ایران نیز با نرخ تورم ۱۳/۵ درصد پس از پاکستان با ۱۳/۶ درصد، دارای دومین نرخ تورم بالا در منطقه بود.

نرخ بیکاری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی کشورها می‌باشد. متأسفانه نواقصی در آمار مربوط به این شاخص در منابع بین‌المللی وجود دارد و بیشتر کشورهای مورد بررسی در سال ۲۰۰۹ فاقد آمار هستند. براساس آمارهای موجود در سال ۲۰۰۹، عربستان و قزاقستان به ترتیب با ۵/۴ و ۶/۶ درصد کمترین نرخ بیکاری را در میان کشورهای منطقه دارا بودند. فلسطین نیز با نرخ بیکاری ۲۴/۵ درصد بالاترین نرخ بیکاری در منطقه را به خود اختصاص داد. ایران با دارا بودن نرخ بیکاری ۱۱/۵ درصد در سال ۲۰۰۹ رتبه پنجم را در منطقه به خود اختصاص داد.

شاخص دیگری که در این بخش مورد استفاده قرار گرفته است، سهم هریک از کشورها از مجموع تولید ناخالص داخلی (براساس برابری قدرت خرید) کشورهای منطقه است. براساس آمارهای موجود در سال ۲۰۰۹، ترکیه با ۲۲ درصد، ایران با ۱۸/۱ درصد و عربستان سعودی با ۱۲/۷ درصد، بیشترین سهم را در منطقه دارند. در مقابل، قرقیزستان، تاجیکستان و ارمنستان کمترین سهم را در مقایسه با سایر کشورهای منطقه کسب کردند.

مناسب بودن فضای کسب و کار از اهمیت بالایی در رونق فعالیت‌های اقتصادی کشورها برخوردار بوده و منجر به افزایش سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال‌زایی می‌گردد. برای بررسی و مقایسه جایگاه کشورها در فضای کسب و کار عموماً شاخص سهولت کسب و کار که توسط گروه بانک جهانی تهیه می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. رتبه بالاتر یک کشور در این شاخص به معنای وضعیت مناسب‌تر قوانین و مقررات موجود برای کسب و کار در آن کشور است. در دوره ۲۰۰۹/۱۰، کشورهای عربستان سعودی و گرجستان به ترتیب با کسب رتبه‌های ۱۱ و ۱۲ در میان ۱۸۳ کشور جهان، در بالاترین

۲۱-۲-۲- تولید ناخالص داخلی

از جمله شاخص‌هایی که برای سنجش قدرت اقتصادی کشورها به شکل وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تولید ناخالص داخلی است. براساس آمار بین‌المللی موجود، میزان تولید ناخالص داخلی ایران براساس برابری قدرت خرید طی دوره مورد بررسی همواره در حال افزایش بوده است. ایران در سال ۲۰۰۹ در بین کشورهای عمده منطقه، رتبه دوم پس از کشور ترکیه را کسب کرد. پایین‌ترین رتبه نیز طی دوره مورد بررسی به پاکستان و مصر اختصاص داشته است. نکته قابل توجه آنکه کشورهای رقیب در منطقه در سال ۲۰۰۹ بیشترین سهم را در مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه داشتند؛ به طوری که کشورهای ترکیه، ایران، عربستان سعودی، مصر و پاکستان به ترتیب با سهم‌های ۲۲/۰، ۱۸/۱، ۱۲/۷، ۱۰/۳ و ۹/۵ درصد، رتبه اول تا پنجم را به خود اختصاص دادند.

از ظرفیت‌های موجود در هر کشور است. رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ همواره مثبت بوده و پایین‌ترین میزان آن مربوط به سال ۲۰۰۹ با رقم برآوردی ۱/۸ درصد و بالاترین میزان آن مربوط به سال ۲۰۰۷ با ۷/۸ درصد بوده است. رشد اقتصادی کشور که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ روند صعودی طی کرده بود براساس برآوردهای موجود در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ مجدداً کاهش یافت و به ترتیب به ۲/۳ و ۱/۸ درصد رسید. طی دوره مورد بررسی، رتبه ایران در بین رقبای منطقه‌ای متناسب با میزان رشد اقتصادی در نوسان بوده است؛ به طوری که در سال ۲۰۰۵ (اولین سال دوره زمانی مورد نظر سند چشم‌انداز)، ایران پس از مصر پایین‌ترین نرخ رشد را در بین کشورهای مورد بررسی داشته است؛ لیکن با افزایش نرخ رشد اقتصادی، در سال ۲۰۰۷ بالاترین جایگاه را به خود اختصاص داد. براساس برآوردهای موجود، با کاهش رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ رتبه آن نیز در میان کشورهای رقیب تنزل یافت.

جدول ۲۱-۳- تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)

سال	سال				کشور
	۲۰۰۹	▲۲۰۰۸	▲۲۰۰۷	▲۲۰۰۶	
۲۰۰۵	۶۴۴	۷۰۴	۷۸۱	۸۱۶	ایران
۲۰۰۵	۴۹۱	۵۲۳	۵۴۹	۵۸۴	عربستان سعودی
۲۰۰۵	۷۸۱	۸۹۵	۹۷۶	۱۰۶۴	ترکیه
۲۰۰۵	۳۴۰	۳۷۳	۴۰۶	۴۲۱	پاکستان
۲۰۰۵	۳۳۳	۳۶۸	۴۰۵	۴۴۴	مصر

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۱۱

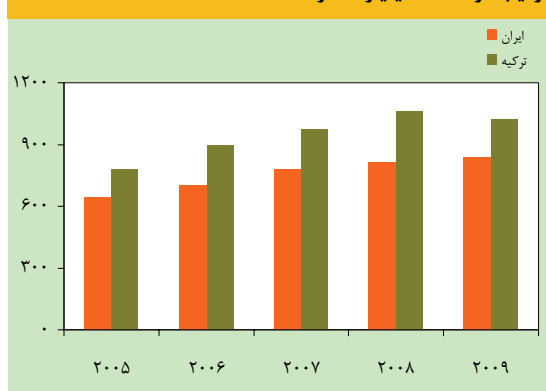
جدول ۲۱-۲- رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)

کشور	سال			
	۲۰۰۹	▲۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶
ایران (۱)	۴/۶	۵/۹	۷/۸	۲/۳
عربستان سعودی	۵/۶	۳/۲	۲/۰	۴/۲
ترکیه	۸/۴	۶/۹	۴/۷	۰/۷
پاکستان	۷/۷	۶/۲	۵/۷	۱/۶
مصر	۴/۵	۶/۸	۷/۱	۷/۲

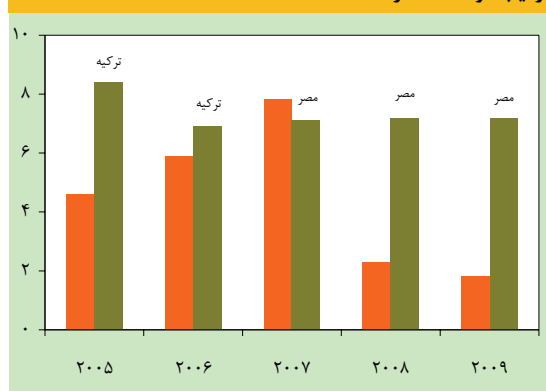
ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۱۱

۱- براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نرخ رشد اقتصادی برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به ترتیب معادل ۶/۹، ۵/۰، ۵/۰ و ۳/۰ درصد بوده است.

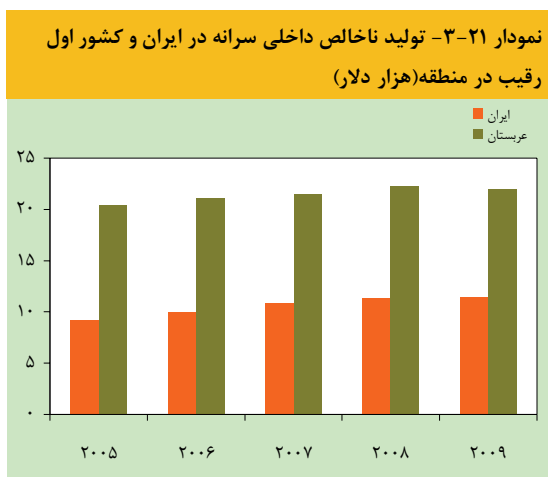
نمودار ۲۱-۲- تولید ناخالص داخلی در ایران و کشور اول رقیب در منطقه (میلیارد دلار)



نمودار ۲۱-۱- رشد تولید ناخالص داخلی در ایران و کشور اول رقیب در منطقه (درصد)



۲۱-۲-۳- تولید ناخالص داخلی سرانه



در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران همواره در حال افزایش بوده و براساس برابری قدرت خرید از ۹۲۲۸ دلار در سال ۲۰۰۵ به ۱۱۴۶۷ دلار در سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است. با این حال، ایران از این حیث در بین کشورهای منتخب منطقه در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ در رتبه سوم قرار داشته است. طی سال‌های مورد بررسی، عربستان سعودی با فاصله بسیار زیاد از سایر کشورها در رتبه اول قرار داشته است. بخشی از این برتری نسبی ناشی از جمعیت به مراتب کمتر آن در مقایسه با کشورهای دیگر است؛ به طوری که عربستان سعودی کمترین جمعیت را در میان پنج کشور مذکور دارا است. پاکستان از منظر تولید سرانه در وضعیت نامناسبی قرار داشته است؛ به طوری که طی دوره مورد بررسی، همواره پایین‌ترین رتبه را در میان کشورهای عمده رقیب داشته و در سال ۲۰۰۹ رتبه هجدهم را در کل منطقه دارا بود. پاکستان بالاترین میزان جمعیت را در منطقه دارد و این امر سبب شده است که با وجود سهم نسبتاً بالای این کشور (۹/۵ درصد) از مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه، جایگاه پایینی را در تولید ناخالص داخلی سرانه داشته باشد.

۲۱-۲-۴- سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی

سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخصی برای سنجش توسعه صنعتی ارزیابی شده و بیانگر قابلیت‌ها و امکانات صنعتی اقتصاد کشورها است. براساس آمار موجود، سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی ایران طی سال‌های مورد بررسی بجز سال ۲۰۰۶ که با کاهش مواجه بوده، روند صعودی داشته و در سال ۲۰۰۷ به ۴۴/۵ درصد رسیده است. در دوره مورد بررسی، ایران پس از عربستان سعودی در بین کشورهای رقیب رتبه دوم را کسب کرده است. براساس آمار موجود، طی این سال‌ها عربستان سعودی بالاترین و پاکستان پایین‌ترین نسبت مذکور را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲۱-۵- نسبت ارزش افزوده بخش صنعت

به تولید ناخالص داخلی (درصد)

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
ایران (۱)	۴۴/۷	۴۳/۶	۴۴/۵	۴۴/۵	۴۴/۵
عربستان سعودی	۶۳/۲	۶۴/۶	۶۵/۶	۷۰/۲	۵۹/۶
ترکیه	۲۸/۵	۲۸/۷	۲۸/۳	۲۷/۷	۲۵/۸
پاکستان	۲۷/۱	۲۶/۹	۲۶/۹	۲۶/۸	۲۴/۳
مصر	۳۵/۹	۳۸/۴	۳۶/۳	۳۷/۵	۳۷/۳

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۱۱

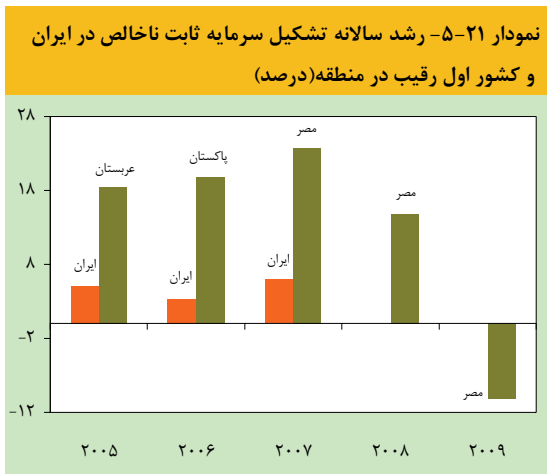
۱- براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نسبت مجموع ارزش افزوده بخش‌های صنایع و معادن و نفت به تولید ناخالص داخلی برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به ترتیب معادل ۴۵/۶، ۴۴/۷، ۴۵/۶، ۴۲/۹ و ۳۸/۹ درصد بوده است.

جدول ۲۱-۴- تولید ناخالص داخلی سرانه

(براساس برابری قدرت خرید) (دلار)

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
ایران	۹۲۲۸	۹۹۶۸	۱۰۹۳۲	۱۱۲۹۲	۱۱۴۶۷
عربستان سعودی	۲۰۴۰۶	۲۱۰۷۰	۲۱۵۱۶	۲۲۳۳۴	۲۲۰۳۵
ترکیه	۱۱۴۶۵	۱۲۹۵۳	۱۳۹۵۰	۱۴۹۹۵	۱۴۲۲۸
پاکستان	۲۱۴۵	۲۳۱۰	۲۴۶۸	۲۵۱۶	۲۵۸۴
مصر	۴۴۹۱	۴۸۶۵	۵۲۶۷	۵۶۶۵	۶۰۱۹

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۱۱



۲۱-۲-۶- نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید

ناخالص داخلی

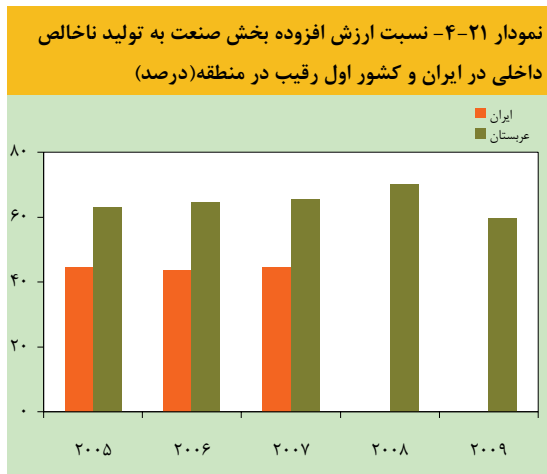
سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از تولید ناخالص داخلی از متغیرهای مهم اقتصاد کلان بوده و نشان‌دهنده توان بالقوه اقتصاد برای رشد و توسعه در آینده است. با توجه به آمار موجود، نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی در ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ روند نزولی داشته ولی همواره رتبه نخست را با اختلاف قابل ملاحظه با رقبا در بین کشورهای عمده منطقه دارا بوده است. عدم تناسب موجود بین رشد اقتصادی و میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را می‌توان عمده‌تأ ناشی از پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید و کارایی سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصادهای متکی به بخش دولتی تلقی کرد. بجز در سال ۲۰۰۹، عربستان سعودی پایین‌ترین نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی را طی سال‌های مورد بررسی در میان کشورهای رقیب داشته است.

جدول ۲۱-۷- نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی (درصد)

سال	سال				
	۲۰۰۹	▲۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵
ایران (۱)	۰۰	۰۰	۲۵/۸	۲۶/۴	۲۷/۰
عربستان سعودی	۲۴/۵	۱۹/۵	۲۰/۵	۱۷/۵	۱۶/۵
ترکیه	۱۶/۹	۱۹/۹	۲۱/۸	۲۲/۳	۲۱/۰
پاکستان	۱۷/۴	۲۰/۵	۲۰/۹	۲۰/۵	۱۷/۵
مصر	۱۸/۹	۲۲/۳	۲۰/۹	۱۸/۷	۱۷/۹

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۱۱

۱- براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به ترتیب معادل ۲۴/۵، ۲۴/۰، ۲۴/۵ و ۲۶/۵ درصد بوده است.



۲۱-۲-۵- رشد سرمایه‌گذاری

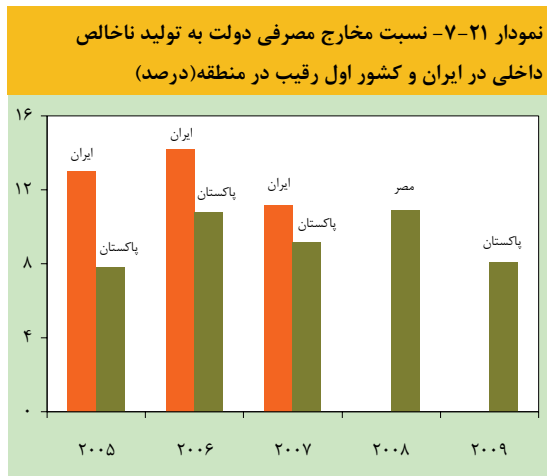
سرمایه‌گذاری پشتوانه‌ای برای تولید در آینده بوده و تغییرات روند آن می‌تواند مبنایی برای پیش‌بینی تغییرات تولید ناخالص داخلی در سال‌های آینده تلقی شود. براساس آمار موجود، نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ایران از ۵/۱ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۳/۳ درصد در سال ۲۰۰۶ تنزل نمود و سپس در سال ۲۰۰۷ افزایش یافت و به ۶ درصد رسید. بالاترین نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ به کشور مصر به ترتیب با ۲۳/۸ و ۱۴/۸ درصد تعلق داشت که اختلاف بسیار زیادی با میزان نرخ رشد سرمایه در ایران دارد. ترکیه نیز در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ کمترین نرخ رشد سرمایه‌گذاری را در میان کشورهای منطقه کسب کرد.

جدول ۲۱-۶- رشد سالانه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (درصد)

سال	سال				
	۲۰۰۹	▲۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵
ایران (۱)	۰۰	۰۰	۶/۰	۳/۳	۵/۱
عربستان سعودی	۰۰	۰۰	۱۸/۳	۱۷/۰	۱۸/۵
ترکیه	-۱۹/۱	-۶/۲	۳/۱	۱۳/۳	۱۷/۴
پاکستان	-۱۱/۳	۷/۳	۱۳/۶	۱۹/۹	۱۳/۵
مصر	-۱۰/۲	۱۴/۸	۲۳/۸	۱۳/۸	۱۴/۲

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۱۱

۱- براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نرخ رشد سالانه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به ترتیب معادل ۸/۷، ۳/۰، ۶/۶، ۱۰/۹ و -۰/۹ درصد بوده است.



۲۱-۲-۸- رشد نقدینگی

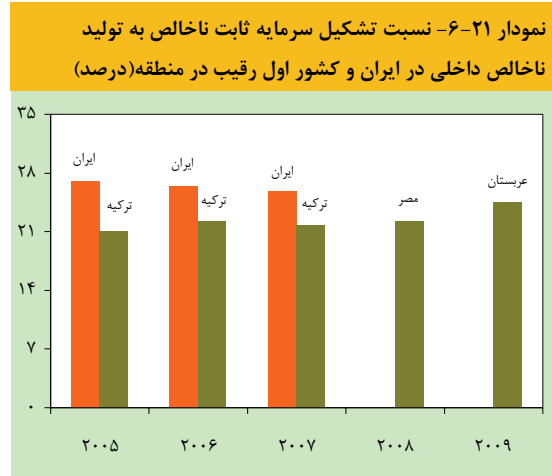
اگرچه نقدینگی به عنوان یکی از متغیرهای مهم در اقتصاد کلان مطرح می‌شود، چنانچه رشد آن متناسب با نیازهای واقعی اقتصاد نباشد می‌تواند موجب بی‌ثباتی قیمت‌ها و افزایش نرخ تورم در کشور گردد. به همین دلیل، مقامات پولی کشورها همواره مدیریت و کنترل نقدینگی را در سیاست‌گذاری‌های پولی مد نظر قرار می‌دهند تا بدین ترتیب از تبعات تورمی رشد آن جلوگیری نمایند. براساس آمار منبع بین‌المللی، رشد نقدینگی در ایران که طی یک روند افزایشی به ۳۰/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ رسیده بود، با کاهشی چشمگیر در سال ۲۰۰۸ به ۷/۹ درصد رسید. رشد مزبور طی سال ۲۰۰۹ مجدداً با افزایش مواجه شد و به ۲۷/۷ درصد رسید.

جدول ۲۱-۹- رشد نقدینگی (درصد)

سال	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵
ایران (۱)	۲۷/۷	۷/۹	۳۰/۶	۲۹/۰	۲۲/۸
عربستان سعودی	۱۰/۸	۱۸/۰	۲۰/۱	۲۰/۴	۱۳/۲
ترکیه	۱۲/۷	۲۴/۹	۱۵/۲	۲۲/۲	۳۵/۸
پاکستان	۱۴/۸	۵/۷	۱۹/۷	۱۴/۵	۱۷/۲
مصر	۹/۵	۱۰/۵	۱۹/۱	۱۵/۰	۱۱/۵

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۱۱

۱- براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رشد نقدینگی برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به ترتیب برابر ۳۴۳/۴، ۳۹۴/۴، ۲۷۷/۰، ۱۵/۹ و ۲۳/۹ درصد بوده است.



۲۱-۲-۷- نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید

ناخالص داخلی

نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی شاخصی از سهم دولت در مخارج کل اقتصاد است که متناسب با میزان حضور آن در بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی متغیر است. مخارج مصرفی نهایی دولت عمومی همه هزینه‌های جاری دولت بابت خرید کالاها و خدمات (شامل پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان) را در بر می‌گیرد. همچنین، بیشتر مخارج دولت در حوزه دفاع و امنیت ملی بجز مخارج تشکیل سرمایه این بخش، در این آمار منعکس می‌شود. بالاترین نسبت مذکور همواره به عربستان سعودی تعلق داشته است. پاکستان نیز همواره پایین‌ترین رتبه را در میان کشورهای رقیب کسب کرده است. نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی در ایران در سال ۲۰۰۷ معادل ۱۱/۲ درصد بود.

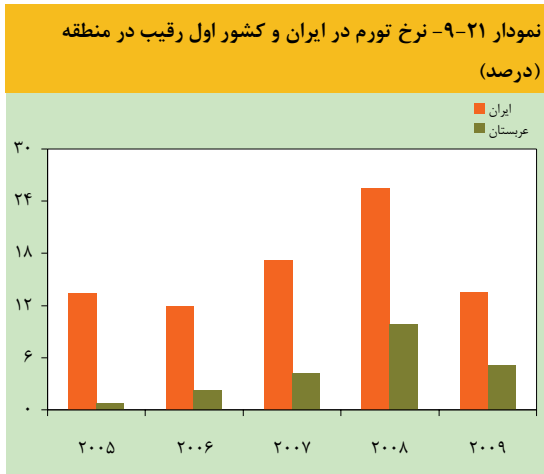
جدول ۲۱-۸- نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی

سال	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵
ایران (۱)	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۴/۲	۱۳/۰
عربستان سعودی	۲۴/۹	۱۹/۳	۲۲/۳	۲۳/۳	۲۲/۲
ترکیه	۱۴/۷	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۳	۱۱/۸
پاکستان	۸/۱	۱۲/۵	۹/۲	۱۰/۸	۷/۸
مصر	۱۱/۴	۱۰/۹	۱۱/۳	۱۲/۳	۱۲/۷

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۱۱

۱- براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نسبت هزینه‌های مصرفی دولتی به تولید ناخالص داخلی برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به ترتیب معادل ۱۳/۷، ۱۴/۰، ۱۰/۸، ۱۱/۷ و ۱۲/۴ درصد بوده است.

طی دوره مورد بررسی (بجز سال ۲۰۰۹) به ایران و کمترین نرخ طی این دوره به عربستان سعودی تعلق داشت. تمامی کشورهای مورد بررسی کاهش قابل ملاحظه‌ای در نرخ تورم خود در سال ۲۰۰۹ تجربه کردند، به طوری که متوسط نرخ تورم پنج کشور منتخب از ۱۶/۹ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۱۰/۰ درصد در سال ۲۰۰۹ رسید.



۲۱-۲-۱۰- نرخ بیکاری

براساس آمار موجود، ایران تا سال ۲۰۰۷ نرخ بیکاری بالایی در میان کشورهای عمده منطقه داشته است؛ لیکن در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، نرخ بیکاری ترکیه بیش از ایران بوده است. کمترین نرخ بیکاری در سال ۲۰۰۹ با توجه به آمار موجود به عربستان سعودی اختصاص داشته است. کشور پاکستان با وجود جمعیت بسیار زیاد، در بین کشورهای منتخب از نرخ بیکاری پایینی در سال‌های مورد بررسی برخوردار بوده است.

جدول ۲۱-۱۱- نرخ بیکاری (درصد)

کشور	سال				
	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵
ایران (۱)	۱۱/۵	۱۰/۳	۱۰/۵	۱۱/۳	۱۱/۵
عربستان سعودی (۲)	۵/۴	۵/۰	۵/۶	۶/۳	۰۰
ترکیه	۱۴/۰	۱۰/۹	۱۰/۳	۹/۹	۱۰/۳
پاکستان	۰۰	۵/۲	۵/۳	۶/۲	۷/۷
مصر	۹/۴	۸/۷	۸/۹	۱۰/۶	۱۱/۲

ماخذ: <http://laborsta.ilo.org>

۱- براساس ارقام مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در ایران برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به ترتیب برابر با ۱۱/۵، ۱۱/۳، ۱۰/۵، ۱۰/۴ و ۱۱/۹ درصد بوده است.

۲- منبع این آمار ۲۰۱۱ WDI online, the World Bank Group می‌باشد.

نمودار ۲۱-۸- رشد نقدینگی در ایران و کشور اول رقیب در منطقه (درصد)



۲۱-۲-۹- نرخ تورم

کنترل نرخ تورم همواره یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. نرخ بالای تورم مانعی برای توسعه اقتصادی بوده و اثرات مخربی بر عملکرد اقتصاد کشور دارد که از جمله آنها می‌توان به بروز نااطمینانی در فعالیتهای اقتصادی، تشدید نابرابری توزیع درآمد، تضعیف سرمایه‌گذاری و اختلال در برنامه‌ریزی بنگاه‌های اقتصادی اشاره کرد.

جدول ۲۱-۱۰- نرخ تورم (درصد)

کشور	سال				
	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵
ایران (۱)	۱۳/۵	۲۵/۵	۱۷/۲	۱۱/۹	۱۳/۴
عربستان سعودی	۵/۱	۹/۹	۴/۲	۲/۲	۰/۷
ترکیه	۶/۳	۱۰/۴	۸/۸	۱۰/۵	۱۰/۱
پاکستان	۱۳/۶	۲۰/۳	۷/۶	۷/۹	۹/۱
مصر	۱۱/۸	۱۸/۳	۹/۳	۷/۶	۴/۹

ماخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۱۱

۱- براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نرخ تورم بر پایه سال ۱۳۸۲ برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به ترتیب برابر، ۱۰/۴، ۱۱/۹، ۱۸/۴، ۲۵/۴ و ۱۰/۸ درصد بوده است.

نرخ تورم در ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. نرخ تورم کشور از ۱۳/۴ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۱۱/۹ درصد در سال ۲۰۰۶ کاهش یافت؛ لیکن دوباره در سال ۲۰۰۷ با افزایش روبه‌رو شد و در سال ۲۰۰۸ به ۲۵/۵ درصد رسید. در سال ۲۰۰۹، نرخ تورم مجدداً با کاهش قابل توجهی به ۱۳/۵ درصد رسید. بیشترین نرخ تورم

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۸

در مورد توزیع درآمد بین دهک‌های درآمدی نیز ایران در وضعیت مطلوبی قرار ندارد؛ به طوری که ۴۵ درصد از درآمد در اختیار دو دهک بالای درآمدی (خانوارهای با درآمد بالا) قرار گرفته است. در مقابل، سهم چهار دهک پایین درآمدی (خانوارهای کم‌درآمد) در ایران در سال ۲۰۰۵ فقط ۱۷/۳ درصد از کل درآمد بود. کشور پاکستان از این نظر نیز در وضعیت بهتری نسبت به کشورهای ایران، ترکیه و مصر قرار دارد؛ به طوری که خانوارهای کم‌درآمد ۲۱/۹ درصد و خانوارهای با درآمد بالا ۴۰/۷ درصد از کل درآمد را به خود اختصاص داده‌اند. ترکیه از این نظر در بدترین وضعیت بوده، به طوری که سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد فقط ۱۵/۰ درصد از کل درآمد و سهم خانوارهای با درآمد بالا ۴۸/۹ درصد بوده است. همچنین، براساس نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، ترکیه و ایران به ترتیب با نسبت‌های ۱۷/۰ و ۱۱/۳ برابر، نامناسب‌ترین شرایط را در بین کشورهای مورد بررسی دارند.

۲۱-۲-۱۲- شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی^(۱) با در نظر گرفتن ابعاد مختلف توسعه اقتصادی و اجتماعی، معیاری برای رتبه‌بندی کشورها از نظر پیشرفت‌های توسعه انسانی ارائه می‌کند. گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد، کشورهای مورد بررسی را براساس مقادیر این شاخص در چهار گروه توسعه انسانی بسیار بالا (بالتر از ۰/۷۸۴)، توسعه انسانی بالا (۰/۶۷۵ تا ۰/۷۸۴)، توسعه انسانی متوسط (۰/۴۷۵ تا ۰/۶۷۴) و توسعه انسانی پایین (کمتر از ۰/۴۷۵) طبقه‌بندی کرده است^(۲).

جدول ذیل وضعیت ایران و مهم‌ترین کشورهای منطقه را در شاخص توسعه انسانی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ نشان

نمودار ۲۱-۱۰- نرخ بیکاری در ایران و کشور اول رقیب در منطقه (درصد)



۲۱-۲-۱۱- شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد

یکی از اهداف مهم سیاست‌گذاران اقتصادی در هر کشور ارتقای کیفیت زندگی و سطح رفاه اجتماعی در جامعه است. شاخص‌های توزیع درآمد در دهک‌های مختلف درآمدی و ضریب جینی می‌توانند معیارهای مناسبی برای ارزیابی میزان نابرابری توزیع درآمد در سطح جامعه باشند. براساس آمارهای موجود، کشور پاکستان کمترین ضریب جینی را در میان کشورهای رقیب در منطقه به خود اختصاص داده است. ایران با ضریب جینی معادل ۳۸/۲۸ درصد پس از ترکیه وضعیت بدتری نسبت به کشورهای مصر و پاکستان دارد.

جدول ۲۱-۱۲- شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد^(۱)

	مصر	پاکستان	ترکیه	ایران (۲)
ضریب جینی (درصد)	۳۲/۱۴	۳۱/۱۸	۴۲/۲۳	۳۸/۲۸
سهم ۴۰٪ خانوارهای کم‌درآمد (درصد)	۲۱/۶	۲۱/۹	۱۵/۰	۱۷/۳
سهم ۴۰٪ خانوارهای با درآمد متوسط (درصد)	۳۶/۹	۳۷/۴	۳۶/۱	۳۷/۵
سهم ۲۰٪ خانوارهای با درآمد بالا (درصد)	۴۱/۵	۴۰/۷	۴۸/۹	۴۵/۲
نسبت ۱۰٪ ثروتمندترین به ۱۰٪ فقیرترین خانوارها	۷/۲	۶/۵	۱۷/۰	۱۱/۳

مآخذ: WDI online, the World Bank Group, ۲۰۱۱

۱- آمار ارائه شده برای کشورهای مورد بررسی مربوط به سال ۲۰۰۵ است. برای عربستان سعودی نیز طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ آماری ارائه نشده است.
۲- براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ارقام مربوط به شاخص‌های ارائه شده در جدول برای سال ۱۳۸۸ از بالا به پایین به ترتیب معادل ۳۹/۳۹، ۱۶/۰، ۳۷/۸ و ۴۶/۳ درصد و ۱۴/۱ برابر بوده است.

۱- Human Development Index (HDI)

۲- شایان ذکر است روش محاسبه شاخص HDI در گزارش سال ۲۰۱۰ تغییر کرده است. بنابراین، مقدار این شاخص برای کلیه کشورها در سال‌های مورد بررسی طبق آخرین گزارش اصلاح گردیده است. برای توضیحات بیشتر به فصل دهم مراجعه شود.

فصل ۲۱ مقایسه اقتصاد ایران با کشورهای منطقه

پایین‌ترین جایگاه در میان کشورهای رقیب قرار گرفت. رتبه‌بندی کلی سهولت کسب و کار نشان می‌دهد که در دو دوره اخیر فضای کسب و کار در ایران در مقایسه با سایر کشورها اندکی بهبود یافته و از رتبه ۱۴۲ در دوره ۲۰۰۷/۰۸ به رتبه ۱۲۹ در دوره ۲۰۰۹/۱۰ رسیده است.

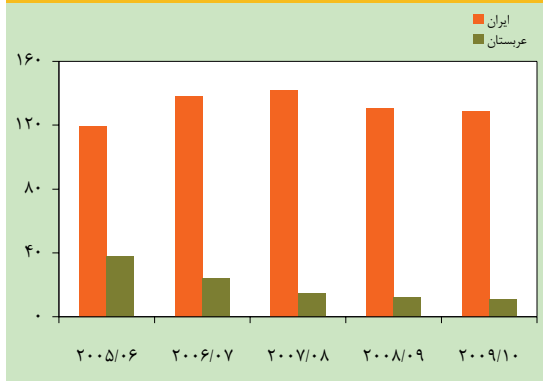
جدول ۲۱-۱۴- شاخص سهولت کسب و کار (۱)

	دوره			
	۲۰۰۹/۱۰	▲۲۰۰۸/۰۹	۲۰۰۷/۰۸	۲۰۰۶/۰۷
ایران	۱۲۹	۱۳۱	۱۴۲	۱۳۸
عربستان سعودی	۱۱	۱۲	۱۵	۲۴
ترکیه	۶۵	۶۰	۶۳	۶۰
پاکستان	۸۳	۷۵	۸۵	۷۴
مصر	۹۴	۹۹	۱۱۶	۱۲۵

۱- اطلاعات مربوط به دوره ۲۰۰۶/۰۷ از گزارش Doing Business سال ۲۰۰۹، دوره ۲۰۰۷/۰۸ از گزارش Doing Business سال ۲۰۱۰ و سایر دوره‌ها از گزارش Doing Business سال ۲۰۱۱ استخراج شده است. شایان ذکر است تعداد کشورها و متدولوژی مورد استفاده در محاسبه شاخص سهولت کسب و کار در طول زمان تغییر کرده است. تعداد کشورها در گزارش سال ۲۰۰۹، ۱۸۱ کشور و در گزارش سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، ۱۸۳ کشور است.

نمودار ۲۱-۱۱- رتبه سهولت کسب و کار در ایران و کشور اول

رقیب در منطقه



دوره برنامه چهارم توسعه

برای تبیین وضعیت اقتصادی ایران طی دوره برنامه چهارم توسعه و مقایسه آن با کشورهای منتخب منطقه (عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان و مصر)، از برخی شاخص‌های کلان اقتصادی استفاده شده که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

می‌دهد. طی دوره مورد بررسی، عربستان سعودی و پاکستان به ترتیب بهترین و بدترین رتبه را در میان کشورهای منتخب کسب کرده‌اند. ایران در سال ۲۰۰۹ با مقدار شاخص ۰/۶۹۷، رتبه هفتاد و دوم را در میان ۱۶۹ کشور جهان و رتبه دوم را در میان کشورهای رقیب در منطقه به دست آورده است. با توجه به مقادیر شاخص مزبور در سال ۲۰۰۹، مصر، پاکستان و ترکیه در گروه کشورهای با توسعه انسانی متوسط و عربستان سعودی و ایران در گروه کشورهای با توسعه انسانی بالا طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول ۲۱-۱۳- شاخص توسعه انسانی

	سال				
	۲۰۰۹	▲۲۰۰۸	▲۲۰۰۷	▲۲۰۰۶	▲۲۰۰۵
ایران	۰/۶۹۷	۰/۶۹۱	۰/۶۸۴	۰/۶۷۴	۰/۶۶۰
عربستان سعودی	۰/۷۴۸	۰/۷۴۶	۰/۷۴۱	۰/۷۳۷	۰/۷۳۲
ترکیه	۰/۶۷۴	۰/۶۷۴	۰/۶۷۲	۰/۶۶۵	۰/۶۵۶
پاکستان	۰/۴۸۷	۰/۴۸۴	۰/۴۸۱	۰/۴۷۱	۰/۴۶۸
مصر	۰/۶۱۴	۰/۶۰۸	۰/۶۰۱	۰/۵۹۴	۰/۵۸۷

ماخذ: Human Development Report, ۲۰۱۰، UNDP

۲۱-۲-۱۳- شاخص سهولت کسب و کار

شاخص سهولت کسب و کار نشان‌دهنده وضعیت قوانین و مقررات حاکم بر فضای کسب و کار هر کشور در مقایسه با سایر کشورها است. براساس این شاخص، عربستان سعودی در دوره‌های مورد بررسی جایگاه نخست را در میان کشورهای منتخب منطقه کسب کرده است^(۱). فضای کسب و کار در مصر نیز طی چهار دوره اخیر به طور کلی بهبود یافته؛ به طوری که رتبه آن در مقایسه با سایر کشورها از ۱۲۵ در دوره ۲۰۰۶/۰۷ به ۹۴ در دوره ۲۰۰۹/۱۰ رسید. ایران با فاصله زیادی نسبت به کشورهای رقیب در کلیه دوره‌های بررسی شده در

۱- از آنجا که رتبه‌بندی کشورها در گزارش‌های Doing Business منتشر شده در هر سال براساس اطلاعات موجود تا یک مقطع زمانی مشخص در نیمه اول سال قبل از آن صورت می‌گیرد، در این بخش به جای سال به دوره اشاره شده است.

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۸

سال ۱۳۸۴ به ۲۸/۵ درصد در سال ۱۳۸۷ افزایش و مجدداً به ۲۶/۵ درصد در سال ۱۳۸۸ کاهش یافت. طی سال‌های برنامه چهارم، رتبه برتر کشورهای منتخب منطقه از این حیث به ایران تعلق داشت.

طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷، نرخ تورم با روندی فزاینده از ۱۰/۴ درصد به ۲۵/۴ درصد رسید و در سال پایانی برنامه این متغیر مهار گردیده و به ۱۰/۸ درصد کاهش یافت. در بین کشورهای رقیب، همواره (بجز سال ۲۰۰۹) بیشترین نرخ تورم به ایران اختصاص داشت.

نرخ بیکاری کشور از ۱۱/۵ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۰/۴ درصد در سال ۱۳۸۷ کاهش یافت؛ لیکن در سال پایانی برنامه چهارم، این متغیر با ۱/۵ واحد درصد افزایش به ۱۱/۹ درصد رسید. براساس آمارهای بین‌المللی، تا سال ۲۰۰۷ بیشترین نرخ بیکاری به ایران تعلق داشت؛ لیکن در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، نرخ بیکاری ترکیه بیشتر از ایران بوده است.

طی دوره مزبور، ایران از حیث شاخص توسعه انسانی، همواره رتبه دوم کشورهای رقیب منطقه را احراز نمود و از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۰۹ در گروه کشورهای با توسعه انسانی بالا طبقه‌بندی شد.

طی سال‌های برنامه چهارم توسعه، رتبه ایران براساس شاخص سهولت کسب و کار اندکی بهبود یافت و از ۱۳۸ در دوره ۲۰۰۶-۰۷ به ۱۲۹ در دوره ۲۰۰۹-۱۰ رسید؛ با این حال، در بین کشورهای رقیب همواره با فاصله قابل توجهی در پایین‌ترین جایگاه قرار گرفت.

طی دوره برنامه چهارم توسعه، رشد اقتصادی ایران همواره مثبت بوده و براساس آمارهای داخلی، بالاترین میزان آن مربوط به سال شروع برنامه (معادل ۶/۹ درصد) و پایین‌ترین آن مربوط به سال ۱۳۸۷ (معادل ۰/۸ درصد) بود. طی این سال‌ها رتبه ایران از نظر این متغیر در بین کشورهای منطقه نوسان داشت؛ به طوری که در سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷) ایران در بین کشورهای منطقه رتبه اول را به خود اختصاص داد ولی در سال پایانی برنامه، ایران پس از مصر و پاکستان قرار گرفت.

براساس آمارهای بین‌المللی، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران طی سال‌های برنامه چهارم همواره در حال افزایش بوده و با ۲۲۳۹ دلار افزایش از ۹۲۲۸ دلار در سال ۲۰۰۵ به ۱۱۴۶۷ دلار در سال ۲۰۰۹ رسید؛ با این حال، در بین کشورهای منتخب منطقه، ایران پس از عربستان سعودی و ترکیه رتبه سوم را به خود اختصاص داد.

سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی شاخص دیگری است که برای مقایسه جایگاه اقتصادی ایران در بین کشورهای رقیب مورد استفاده قرار گرفته است. اگرچه طی سال‌های برنامه چهارم توسعه (بجز سال ۱۳۸۶) آمار داخلی این شاخص روند نزولی داشت و از ۴۵/۶ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۳۸/۹ درصد در سال ۱۳۸۸ کاهش یافت، با این حال در بین کشورهای منتخب، ایران پس از عربستان سعودی دارای بالاترین میزان نسبت ارزش افزوده بخش صنعت به تولید ناخالص داخلی بود.

طبق آمارهای داخلی، نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی کشور از ۲۵/۹ درصد در